

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز: شهرداری مشهد مدیرمسئول: سید منعم موسوی مهر سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی

شبه سال شانزدهم اردیبهشت ۱۳۹۴ ۱۹ ذی القعدة ۱۴۱۶ شماره ۴۴۹۱

Mashhadchehreh.ir Photoshahr.ir

نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸۱-۵۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ روابط عمومی: ۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

سایت شهرآرآنیزو را بسا اسکن این کد دنبال کنید

میتوان نامۀ اخلاق حرفه‌ای

دماي هوای مشهد

۶۲٪ رطوبت هوا

۱۶↓ ۲۷↑

صبح ۲۱

ظهر ۲۶

عصر ۲۲

شب ۱۹

اوقات شرعی مشهد

● اذان ظهر ۱۱:۲۷:۵۷ ● نیمه شب شرعی ۲۲:۳۷:۴۸

● غروب آفتاب ۱۸:۳۲:۳۷ ● اذان صبح فردا ۰۲:۴۱:۵۳

● اذان مغرب ۱۸:۵۲:۵۸ ● طلوع آفتاب فردا ۰۴:۲۲:۳۴

عزت علایی نهارت با ایراس

روزنامه نگار شبنم سیدی

پیامبر اکرم (ص)

چهار چیز به چهار چیز نیاز دارند:

علم به عمل و شرافت خانوادگی به ادب

و خویشی به دوستی و خرد به تجربه.

فراجع شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ۴۱/ ۲۰

عکس روز



بزرگداشت شاعر بزرگ پارسی

طبق روال هر سال، ۲۵ اردیبهشت، آرامگاه فردوسی حال هوای متفاوتی داشت. همزمان با روز بزرگداشت حکیم توس، اهالی هنر و فرهنگ و سیاست گرد هم آمدند و آیین پاسداشت ۱۲۵۵ بزرگداشت را به جای آوردند.

برای مشاهده گزارش تصویر کرا را اسکن کنید. عکس: سعید گل/ شهرآر

شخم هفته

درآمدها کجا دررفتند!

خنکی طبیعی صبح ساعت شروع کار ادارات و اخیرا مدارس ساعت ۶ صبح اعلام شده است. واقعا که هر چیزی طبیعی آن بهتر است. مثلا وسیله نقلیه ما از دل طبیعت باشد. با قاطر و الاغ سرکار برویم. خانه هایمان هم کاملا طبیعی باشد. شاید بگویید این قدر هم زندگی طبیعی و به سبک گذشته را دوست ندارید، ولی نگران نباشید، چیزهای امروزی همچنان در دسترس شما خواهند بود مثل همین الاینده های هوا، ذرات معلق، مونوکسیدکربن، اکسید نیتروژن و اکسید گوگرد که حتی بایک نفس کشیدن آرام هم می توانید آن ها را در وجودتان جای دهید.

رئیس بانک مرکزی حرفی زده است که سالیان سال است هر چند ما یک بار از مسئولان اقتصادی کشور می شنویم. ایشان گفته است که به دنبال حذف چهار صفر از پول ملی هستیم. فکر نکنیم مشکلی پیش بیاید. نهایت مشکلی که پیش می آید این است که می گویند ریال جدید یا ریال قدیم. ولی درکل امیدواریم برخلاف مسئولان قبلی اقتصادی، ایشان به حرفشان عمل کنند. چون این طوری مثلا اگر برای خرید لوبیا چیتی ۴ میلیون ریال پول کم داریم، چهار تا صفرش که حذف شود فقط اندازه ۴۰۰ ریال ناقابل کم داریم. پس اقتصاددان هایی را هم که به شدت مخالف این کار هستند جدی نگیرید، چون برهمگان واضح و مبهرن است که اگر برای خریدمان فقط ۴۰۰ ریال کم داشته باشیم خیلی قابل تحمل تر از کمبود ۴ میلیون ریال پول است.

هر چیزی طبیعی خوبه!

همان طور که می دانید جهت استفاده از

چهره روز

یلی بیرون شاهنامه

درباره قاسم ارفع، کسی که پس از بازسازی آرامگاه فردوسی در دهه ۴۰ دوباره حکیم توس را دفن می کند



روزنامه نگار شبنم سیدی

قاسم ارفع، هم سن آرامگاه فردوسی است. یعنی درست همان سالی به دنیا آمده که آرامگاه فردوسی با حضور بزرگان علم و ادب جهان افتتاح شده است. داستان زندگی ارفع و آرامگاه فردوسی سی سال بعد دوباره به هم گره می خورد و نقطه عطف ماجرا هم همین جاست. هر دو دقیقاً در یک زمان درگذرن می شوند. بنای آرامگاه فردوسی سال ۱۳۴۳ به خاطر خرابی های مداوم برچیده و از نو ساخته می شود. دست برقضا فردی که در جریان بازسازی آرامگاه نقش مهمی داشته و به همین خاطر هم زندگی اش از این رو به آن رو می شود، قاسم ارفع است. خودش می گوید، «فردوسی من را پهلوان کرد و گرنه من یلی بودم که داشتم داروغه گری و دشتبونی می کردم.»

همان طور که «رستم یلی بود در سیستان که فردوسی کردش رستم داستان»، انگار داستان برای قاسم ارفع هم تکرار شد و فردوسی هزار سال بعد دوباره یک یلی توسی را به پهلوان تبدیل کرد. قاسم ارفع قوی هیکل بود و درشت اندام. به همین دلیل هم خیلی از مالکان زمین، به او پول می دادند تا از ورود دام و غریبه به ملکشان جلوگیری کند. اما با شروع بازسازی آرامگاه فردوسی، قاسم ارفع شد. مرد جابه جایی های عظیم و قهرمان پلامنازع داستان. حافظه او در نود و یک سالگی هنوز مثل یک نوار کاست بی خط و خش است. همه چیز

ضبط شده و با خاطراتش می تواند بنای آرامگاه را زنده کند. ارفع ساختمان آرامگاه را مثل یک پازل ترسیم می کند که پس از تخریب مجدد کنار هم چیده می شود؛ «چوب بست هاشو خودم بستم و بردم تا کاکل آرامگاه. بعد هم روی چوب بست تخته انداختم و شروع کردیم به تخریب. اما باید سنگ ها سالم می روند. شاه غلام معمار، روی سنگ ها شماره می زد و به ترتیب با فرغون می بردن می چیدن عقب باغ. بعد که ساخت آرامگاه تموم شد دوباره سنگ ها رو به ترتیب شماره از عقب باغ آوردن و بردن بالا چیدن.»

در طول چهار سالی که ساخت آرامگاه زمان می برد، حدود ۱۵۰ کارگر زیر دست مش قاسم کار می کنند. اما در میان کارگران، او تنها فردی است که شانه هایش تاب جابه جایی سنگ های سنگین را دارد. پهلوان کشتی با چوخه و یل توسی در نبود ماشین آلات مهندسی امروز، سنگ های چند تنی را به دوش می کشیده و از چوب بست بالا می رفته است. او سنگ مزار فردوسی و سنگی که تصویر فروهر بر آن حک شده (بالای ضلع جنوبی) را از جمله سنگین ترین سنگ ها معرفی می کند و وزن تقریبی آن ها را چهارتن تخمین می زند. ماجرای جابه جایی یکی از این سنگ ها که مورد تحسین مهندسان حاضر قرار گرفت شنیدنی است: همه جلوی استخر به تماشا ایستادن. رفتن پای «قرقره» ایستاد و سنگ را رو به بیست

چکامه

خرد بهتر از هر چه ایزد بداد ستایش خرد را به از راه داد

خرد رهنمای و خرد دلگشای خرد دست گیرد به هر دو سرای

شاهنامه فردوسی

اول شخص

شاهنامه؛ افسانه های برای همیشه

یادی از ژول مل، خاورشناس اروپایی که برای نخستین بار نسخه کامل شاهنامه را به فارسی تصحیح و به فرانسوی ترجمه کرد

با حوصله است و این باحوصلگی را می توان در راه رفتن، حرف زدن، مطالعه کردن، نوشتن و سایر جزئیات زندگی اش دید. وقتی دولت فرانسه از او می خواهد درباره «شاهنامه» پژوهش کند، نمی تواند به این موقعیت «نه» بگوید. او سال ها دل به افسانه ها می سپارد. افسانه هایی که برای بیدار کردن حقایق خفته شکل گرفته اند. او عاشقانه نسخه های متفاوت شاهنامه را کنار هم می گذارد و آن ها را ورق می زند. خستگی ناپذیر به تصحیح علمی آن می پردازد. تلاش می کند تا نسخه ای به زبان فارسی اما منسجم و کامل از آن ارائه دهد و تناقض های پیشین را دور ببرد. شاهنامه را نه تنها به مثابه روایتی کهن، بلکه به مثابه سندی از خرد، زبان و شکوه انسانیت می بیند. ده ها سال از عمر خود را صرف بررسی دقیق نسخه های خطی شاهنامه می کند و نزد یک ترین متن را به آنچه که فردوسی نگاشته است بیرون می کشد. در سال های ۱۸۳۸ تا ۱۸۷۸ هفت جلد از شاهنامه را به چاپ می رساند. اثری را خلق می کند که هنوز هم برای مطالعه شاهنامه به آن رجوع می شود. او با



مریم شیعه | شرق شناسی موضوع تازه ای نیست. اولین باری که توجه غرب به تمدن جوامع شرقی جلب شد، وقتی بود که انگیزه های تجاری و مذهبی در قرون وسطی شکل گرفت. بعد از آن در قرن های ۱۸ و ۱۹ سفرنامه نویسان و انسان شناسان بسیاری راهی شرق شدند. مطالعات شرق شناسی به اوج خود رسید. اما انگیزه های سیاسی و اقتصادی پشت آن، پررنگ تر از انگیزه های علمی و فرهنگی اش بود. شرق شناسی ابزاری برای مطالعه «دیگری» در خودمانده و نیازمند تهییج بود. ابزاری برای توجیه استعمار و لشکرکشی، به بهانه نجات شرق بود. زیست جهان های دوگانه شرق و غرب، سنتی و مدرن، پیشرفته و عقب مانده و سایر انگاره های از پیش تعیین شده، اجازه فهم شرق را نمی داد. همه چیز در مقام مقایسه با غرب ورنده می شد، نه در جایگاه خود و با مناسبات خاص خود. شرق شناسان از فهم شرق عاجز بودند و تولیدات آن ها، با هاله ای از توهم و خود برتری بینی پوشیده شده بود. شرق، نیازمند مطالعه با شرق بود. پس از جنگ جهانی دوم و برچیده شدن نظام های استعماری، ماجرا جور دیگری رقم خورد. شرق شناسی با انتقاد های فراوان جامعه علمی، به خصوص اندیشمندانی که ریشه در شرق داشتند، همراه شد. رویکردهای واقع نگر و همدلانه نیز جایگزین شرق شناسی پیشین و در خدمت استعمار شد. با این همه در قرون ۱۸ و ۱۹ افرادی زیست می کردند که به دنبال شناخت ژرف و اصیل شرق بودند. کسانی که دل به شرق داده بودند و تلاش می کردند تا شرق را همان طور که هست، انعکاس دهند.

کاوش در شرق

ژول فردی آرام است. یک آلمانی- فرانسوی صبور که کمتر حرف می زند و بیشتری می شنود.



مجید ادیبی

بدون شرح...

کارتون شهر

